

#### بررسی انسان شناسی از منظر قرآن کریم

۱. نرگس شمس الدینی، فارغ التحصیل اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه بوعلی سینا همدان، حق التدریس دانشگاه پیام نور کرمان

#### عنوان مقاله

#### نویسندگان

#### مقدمه

انسان شناسی به عنوان اصلی ترین شاخه مطالعات انسانی از دیرباز ذهن بشریت را معطوف به مهم ترین مخلوق در جهان هستی، یعنی انسان نموده است. با توجه به پیشرفت علوم در جهان امروز، نمی توان علم خاصی را عهده دار شناخت انسان دانست، چه آنکه پزشکی، جامعه شناسی، روان شناسی، ریاضیات، حقوق و... هر یک به نوعی به شناخت یکی از ابعاد وجودی انسان می پردازد. ضعف عمده اغلب این نوع شناخت انسان به جزء نگری آن باز می گردد به گونه ای که در فقدان ارتباط با یکدیگر، نمی تواند سودمند توصیف شود. از سوی دیگر، عقل انسان نیز محدود و مبتنی بر آزمون و خطا بوده و به شناخت امور بسیاری در این عالم، قادر نیست. بنابراین در مسیر شناخت انسان، پرسش های فراوانی برای او مطرح می گردد که علوم فوق الذکر، از پاسخ دادن به آن ناتوان است. بنابراین حقایق کتب آسمانی در مسیر شناخت انسان که از سوی پروردگار به وسیله پیامبران الهی فرو فرستاده شده اند مشخص می گردد به این دلیل که خداوند از آن جهت که آفریننده انسان است، حکیم و کامل و منزّه است، شناختی که از انسان ارائه می دهد، شناختی جامع و مانعی به شمار می رود. (کازرونی، ۱۳۹۴، ۲۰۲). با ظهور اسلام و تعالیم وحیانی، قرآن به عنوان مهم ترین منبع، افق های جدیدی را درباره شناخت انسان گشود. جالب ترین نکته هم در مورد مباحث قرآن پیرامون انسان، جامعیت موضوعات و گاه انحصاری بودن مطالب آن است که در کنار هم قرار گرفته اند. (ناصح، اسدی، ۱۳۹۵، ۱۳۰). قرآن تاکید فراوان دارد که انسان خود را بشناسد و جایگاه خود را در جهان تشخیص دهد؛ «انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است.» (طارق/۵)؛ «آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است» (مریم/ ۶۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید به خود بپردازید» (مائده/ ۱۰۵). تاکید این آیات و آیات هم معنا با اینها بیشتر برای این است که انسان خود را تا آنجا که هست بشناسد و هدف این است که انسان خود را به مقام والایی که شایسته ی آن است برساند. (حسن زاده، ۱۳۸۹، ۹). این پژوهش در این است با توجه به پیشرفت علوم در جهان، امروز نمی توان علم کریم می باشد. **نوآوری** این پژوهش در این است با توجه به پیشرفت علوم در جهان، امروز نمی توان علم خاصی را عهده دار شناخت انسان دانست، چه آنکه پزشکی، جامعه شناسی، روان شناسی، ریاضیات، حقوق و... هر یک به نوعی به شناخت انسان به جزء نگری آن بازمی گردد، به گونه ای که در فقدان ارتباط با یکدیگر، نمی تواند سودمند توصیف شود. از سوی دیگر، عقل انسان نیز محدود و مبتنی بر آزمون و خطا بوده و به شناخت امور بسیاری در این عالم قادر نیست. بنابراین در مسیر شناخت انسان، پرسش های فراوانی مطرح می گردد که علوم فوق الذکر، از پاسخ دادن به آن ناتوان است. بنابراین حقایق قرآن کریم در مسیر شناخت انسان از سوی پروردگار به وسیله پیامبران الهی فرو فرستاده شده اند مشخص می گردد به این دلیل این که خداوند از آن جهت که آفریننده انسان است و حکیم و منزّه است؛ شناختی که از انسان ارائه می دهد، شناختی جامع و مانعی به شمار می رود. به نظری رسد از این رو بررسی مفهوم انسان شناسی از منظر قرآن کریم نگاه جدیدی است که این پژوهش بدان پرداخته است. در این پژوهش سعی بر این است با استفاده از **روش توصیفی و تحلیلی** با توجه به موضوع پژوهش، و **روش جمع آوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای** به بررسی مفهوم انسان شناسی از منظر قرآن کریم بپردازد. از آن جایی که بهترین الگو برای شناخت انسان شناسی را می توان خود قرآن کریم دانست، زیرا که شرایط امروز جامعه ما اقتضای کند که ما به کتاب آسمانی قرآن کریم نظر داشته باشیم. در نتیجه چارچوب این پژوهش بررسی مفهوم انسان شناسی از منظر قرآن کریم می باشد. که در ذیل به آن اشاره خواهد شد. در این مقاله سعی بر آن است در ابتدا ضمن اشاره به چارچوب نظری پژوهش به نگرش کلی در مورد مفهوم انسان شناسی از منظر قرآن کریم پرداخته شود.

#### روش

در این پژوهش سعی بر این است با استفاده از **روش توصیفی و تحلیلی** با توجه به **موضوع پژوهش، و روش جمع آوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای** به بررسی مفهوم انسان شناسی از منظر قرآن کریم بپردازد. از آن جایی که بهترین الگو برای شناخت انسان شناسی را می توان خود قرآن کریم دانست، زیرا که شرایط امروز جامعه ما اقتضای کند که ما به کتاب آسمانی قرآن کریم نظر داشته باشیم

#### یافته ها و نتایج

پیش از ظهور اسلام، اعراب درکی از معنای انسان شناسی که در قالب بزرگتر وجودشناسی و هستی شناسی در نزد فلاسفه یونان نظیر ارسطو، افلاطون و سقراط مورد بحث قرار می گرفت، نداشتند. اصولا اعراب جاهلی دیدی متافیزیکی و مابعدالطبیعه به انسان و محیط اطراف خود نداشتند و تنها به دیدی جزء نگرد اطراف خود اکتفا می نمودند. به عبارت دیگر اعراب، مثلا مانند یونانیان، به جهان با دید عمومی و جامع و فراگیر نظر نمی کردند. یونانیان، در آن هنگام که به فلسفه می پرداختند، نظری جامع به همه جهان هستی پیدا کردند و برای خود پرسش های چون: این جهان، چگونه به وجود آمده است؟ جهانی که می بینیم پر از تغییرات و دگرگونی هاست و... این پرسش ها و پرسش های دیگر نظری اینکه یونانیان در برابر خود طرح کرده بودند، منشا خواستگاه طرز تفکر فلسفی ایشان بود. (کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۸۱-۱۸۲). با ظهور اسلام و تعالیم وحیانی، قرآن به عنوان مهم ترین منبع، افق های جدیدی را درباره شناخت انسان گشود. قرآن با جهت دهی علوم و معارف دخیل در تربیت و هدایت انسان، معتقد است که انسان علاوه بر جسم و جسمانیات، از روح و روحانیات نیز بهره مند است و اصولا حقیقت انسان روح است. به گونه ای قرآن تاکید دارد که انسان خود را بشناسد و جایگاه خود را در جهان تشخیص دهد و هدف این است که انسان خود را به مقام والایی که شایسته آن است برساند. (ناصح، اسدی، ۱۳۹۵، ۱۳۰). قرآن کریم همان گونه که بیشتر گفته شد برای انسان دویست جسمانی و روحانی قابل بوده است. از منظر قرآن کریم، کسانی که فاقد حیات معنوی و روحانی هستند مرده محسوب می شوند، قرآن کریم چنین افرادی به چوب هایی خشک و بی روحی تشبیه می کند که خالی از روح هستند. (کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۸۲). انسان در اسلام با توجه به خلافتی که از سوی خداوند به وی عطا شده بود، محور و رکن اصلی عالم طبیعت و مافوق طبیعت نائل شده است. خداوند در سوره جاثیه آیه ۱۳، انسان را مستعد تسخیر آنچه که در زمین و آسمان است نامیده است و حتی فرشتگان راه فروتنی و تواضع در مقابل انسان مامور کرده است. مقام خلافت، تمام نمی شود مگر اینکه خلیفه نماینده گرامستخلف باشد و تمام شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر و احکامیت کندالیه آن شئون و آثار و احکام و تدابیر، که به خاطر تأمین آن ها خلیفه جانشین برای خود قرار داده و خدای سبحان که مستخلف این خلیفه است وجودش مسمای به اسمای حسنا و منصف به صفات علیایی از صفات جمال و جلال است. (امری، عبداللہی، ۱۳۹۵، ۵۶). همانگونه که اشاره شده علت شایستگی انسان، مقام خلافت الهی به عنوان جایگاه شناخت و معرفت به وی اعطاشده است آنچه که زمینه ساز برتری انسان بر سایر موجودات و مخلوقات می شود. قدرت و استعداد معرفتی وی است. به این ترتیب ولایت معرفتی و وجودی انسان بر کون و مکان حاصل می شود و انسان محل اتصال غیب و شهود، مکان و لامکان و عین و ذهن می شود. قرآن کریم ضمن اینکه ایمان مبتنی بر شناخت برهانی را معتبر می داند، از پیمان و عهدی که بر شناخت شهودی انسان مبتنی است نیز یادآوری می کن و می گوید: یا دارید آن هنگام که خداوند نسل های پیاپی آدمیان را بر نفس ایشان شاهد قرارداد و پرسید آیا من پروردگار شما نیستم و آنها گفتند آری بر این حقیقت همگی گواهییم پس مبادا که در قیامت بگوییدما از این حقیقت غافل بودیم یا اینکه بگویید پدران ما از قبل شرک ورزیده و ما فرزندان آنها بودیم پس آیا ما را به گناه آنان هلاک می نماید. (اعراف، آیات ۱۷۲-۱۷۳). بنابراین این پیمان یک پیمان تشریحی و قرارداد خود آگاه میان انسان ها و پروردگارشان بوده است. در این راستا، قرآن دو راه حصول و شهود را برای شناخت و معرفت ارائه می دهد و هر دو راه عقل و ایمان را راه های درک حقیقت می خواند. بنابراین انسان گزایی در قرآن کریم تنها عبودیت در مقابل خداوند حاصل می شود. بندگی انسان در مقابل خداوند و فروتنی و انفعال در برابر ذات الهی به معنای پذیرش و مسئولیت تکوینی و تشریحی در مقابل ماسوی الله و قرار گرفتن در مرکز عالم خلقت است نه سلب اراده و اختیار و آزادی، تا زمانی که انسان نتواند با تمام توان اش خود را مبدا پایان ناپذیر قدرت متصل نسازد، هرگز نمی تواند احساس توانایی کند همانگونه اشاره شد، انسان مهمترین نقش را در نظام آفرینش دارد.

#### بحث و نتیجه گیری

انسان شناسی به عنوان اصلی ترین شاخه مطالعات انسانی از دیرباز ذهن بشریت را معطوف به مهم ترین مخلوق در جهان هستی، یعنی انسان نموده است. با توجه به پیشرفت علوم در جهان امروز، نمی توان علم خاصی را عهده دار شناخت انسان دانست، چه آنکه پزشکی، جامعه شناسی، روان شناسی، ریاضیات، حقوق و... هر یک به نوعی به شناخت یکی از ابعاد وجودی انسان می پردازد. ضعف عمده اغلب این نوع شناخت انسان به جزء نگری آن باز می گردد به گونه ای که در فقدان ارتباط با یکدیگر، نمی تواند سودمند توصیف شود. از سوی دیگر، عقل انسان نیز محدود و مبتنی بر آزمون و خطا بوده و به شناخت امور بسیاری در این عالم، قادر نیست. بنابراین در مسیر شناخت انسان، پرسش های فراوانی برای او مطرح می گردد که علوم فوق الذکر، از پاسخ دادن به آن ناتوان است. بنابراین حقایق کتب آسمانی در مسیر شناخت انسان که از سوی پروردگار به وسیله پیامبران الهی فرو فرستاده شده اند مشخص می گردد به این دلیل که خداوند از آن جهت که آفریننده انسان است، حکیم و کامل و منزّه است، شناختی که از انسان ارائه می دهد، شناختی جامع و مانعی به شمار می رود. با ظهور اسلام و تعالیم وحیانی، قرآن به عنوان مهم ترین منبع، افق های جدیدی را درباره شناخت انسان گشود. نگاه قرآنی نسبت به انسان بیانگر این است که در آموزه های قرآن، پس از خدا انسان اساسی ترین موضوع به شمار آمده است تا جایی که قرآن تاکید دارد انسان خود را بشناسد و جایگاه خود را در جهان تشخیص دهد تا خود را به مقام والایی (تقرب به خدا) که شایسته آن است برساند

#### منابع

امری، مرضیه؛ عبداللہی، کبری (۱۳۹۵). **بررسی مقایسه ای «انسان شناسی» از دیدگاه قرآن و اومانیم**. حقوق تطبیقی حقوق بشر. شماره ۱. ۵۳-۶۶.  
حسن زاده، صالح. (۱۳۸۹). **انسان شناسی قرآنی**. سراج منیر. شماره ۱. دوره ۱. ۹-۱۲.  
خوانساری. (بی تا). **شرح غرر الحکم و درر الکلم**. ج ۴. ۲۷۲  
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
صدرای شیرازی، محمد. (۱۴۱۹ق). **تفسیر القرآن کریم**. بیروت: دار التعارف المطبوعات.

فرید، محمدصادق. (۱۳۷۲). **مبانی انسان شناسی**. تهران: نشر منصور.  
کازرونی، سیدمصطفی. (۱۳۹۴). **بررسی تطبیقی انسان شناسی قرآنی با انسان شناسی غربی با توجه به مبانی اعتقادی شیعه**. تفسیر. علوم قرآن وحديث. حسنا. شماره ۲۵. ۱۷۰-۲۱۱.  
کریمی، مهدی. (۱۳۸۹). **مقایسه انسان شناسی اسلامی با مکتب یوگا – سانکھییه**. مجله معرفت ادیان. شماره ۲. ۱۷۴

واعظی، احمد. (۱۳۷۷). **انسان از دیدگاه اسلام**. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. قم.  
ناصح، علی احمد؛ اسدی، مجید. (۱۳۹۵). **انسان شناسی در اندیشه امام خمینی (س)**. علوم اجتماعی. پژوهشنامه متین. شماره ۷۱. ۱۳۰

